



ISSN-P: 2645 - 3894

شفق

دوفصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی
سال اول / شماره دوم / پاییز و زمستان نود و هفت

۲

■ تأملی بر خویشکاری‌های زن در ایران باستان، با نگاهی به شاهنامه فردوسی
زهره جمشیدی

■ مضامین اخلاقی در اشعار عزین لاهیجی

محمدحسن داودیان

■ کاربرد بدل در زبان دری و عربی

سید عظیم الله عصمتی

■ نقدی بر ساختار اشعار قیصر امین پور

حسین فقیهی

■ بررسی مضمون زهد در اشعار ابوالعتاهیه و عطار نیشابوری

لیلا قاسمی حاجی آبادی - شهزاد قیطاسی

■ جایگاه قاعده فقهی انصاف در گلستان سعدی

امراه نیکومنشی - مهدی صامعی - زاده بنه میر



و شفاء لما فی الصدور



شفای دل

دو فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : فتنه قُملاقی

سر دبیر: دکتر فاطمه مدرسی

مدیر داخلی و قائم مقام مدیر مسئول : دکتر امراله نیکومنش

ISSN-P : 2645-3894

ISSN-E : 2645-3908

دو فصلنامه شفاى دل به شماره مجوز ۸۰۷۶۲ در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۴ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود .

شفای دل در پایگاه های زیر نمایه می شود :

اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID

بانک اطلاعات نشریات کشور magiran

مرجع دانش CIVILICA

پست الکترونیکی : info@jshd.ir

تارنما : www.jshd.ir

نشانی دفتر : شهریار - خیابان ولی عصر (ع) - برج سعدی - طبقه ۶ - واحد ۶

تلفن و نمابر : ۰۲۱-۶۵۲۹۳۴۹۹

شماره ۲ - پاییز و زمستان ۱۳۹۷

بها : ۲۱۰۰۰ تومان

طراح جلد و صفحه آراء : پروانه پایدار چاپخانه : گنجینه مینیاتور

هیأت تحریریه :

- | | |
|----------------------------|--|
| ۱- دکتر احمد حسنی رنجبر | استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی |
| ۲- دکتر مریم خلیلی جهانتیغ | استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان |
| ۳- دکتر صفر عبدالله | استاد دانشگاه روابط بین‌المللی و زبان‌های جهانی قزاقستان |
| ۴- دکتر فاطمه مدرسی | استاد دانشگاه ارومیه |
| ۵- دکتر عبدالرضا مظاهری | استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی |
| ۶- دکتر محمود بشیری | دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی |
| ۷- دکتر تراب جنگی قهرمان | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی |
| ۸- دکتر احمد خیالی خطیبی | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی |
| ۹- دکتر محسن ذاکر الحسینی | استادیار و عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی |
| ۱۰- دکتر لطیفه سلامت باویل | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی |
| ۱۱- دکتر معصومه صادقی | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار |
| ۱۲- دکتر امراه نیکومنش | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی |

داوران علمی این شماره :

- دکتر فاطمه مدرسی ، استاد دانشگاه ارومیه
- دکتر لطیفه سلامت باویل ، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

ویراستار این شماره :

دکتر معصومه صادقی ، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

شیوه نامه نگارش مقاله در دوفصلنامه شفای دل

الف - ویژگی های کلی مقاله

- ۱- مقاله ارائه شده به نشریه باید حاصل مطالعه و تجربه نویسنده / نویسندگان بوده و دارای یافته های نو و دیدگاه های جدید باشد .
- ۲- پذیرش اولیه مقاله ، منوط به تأیید سردبیر و هیأت تحریریه است و به اطلاع نویسنده مسئول خواهد رسید .
- ۳- هیأت تحریریه در تلخیص ، اصلاح ، ویرایش علمی و ادبی مقاله ها آزاد است .
- ۴- مسئولیت آراء و نظرهای ابراز شده در مقاله ها از جهت علمی و حقوقی ، بر عهده نویسنده / نویسندگان است .
- ۵- حجم مقاله ارسالی (بدون احتساب چکیده انگلیسی) از ۲۰ صفحه بیشتر نباشد .
- ۶- نام کامل نویسنده / نویسندگان ، مرتبه علمی ، دانشگاه محل تدریس / تحصیل ، رشته تحصیلی ، پست الکترونیکی معتبر و شماره تلفن در صفحه ای جداگانه ضمیمه شود .
- ۷- ارسال مقاله فقط از طریق تارنمای نشریه شفای دل به آدرس www.jshd.ir امکان پذیر است و مقاله های دریافتی بازگردانده نخواهد شد و در صورت رد شدن پس از گذشت ۶ ماه از آرشو نشریه حذف می گردد .
- ۸- در صورت پذیرفته شدن مقاله ، **گواهی پذیرش مقاله** پس از اتمام داوری ، ویراستاری و تصویب نهایی هیأت تحریریه صادر و از طریق ایمیل برای نویسنده مسئول ارسال خواهد شد .
- ۹- ترتیب فهرست مقاله ها بر اساس نظم الفبایی نام نویسندگان خواهد بود .
- ۱۰- پس از چاپ مقاله ، ۲ نسخه از مجله به نویسنده / نویسندگان اهداء می گردد .

ب - ساختار و اجزای مقاله

مقاله به ترتیب ذیل تنظیم شود :

- عنوان مقاله :** کوتاه و گویای محتوای مقاله بوده و به دو زبان فارسی و انگلیسی باشد .
- نام نویسنده / نویسندگان :** به فارسی و انگلیسی ، همراه با درجه علمی و معرفی سازمانی که به آن وابسته است و مشخص نمودن نویسنده مسئول .
- چکیده :** بین ۲۵۰-۱۵۰ کلمه و شامل معرفی موضوع ، ضرورت و اهمیت پژوهش و روش کار و یافته های تحقیق و به دو زبان فارسی و انگلیسی باشد .

کلمات کلیدی : بین ۷-۴ واژه که با علامت ویرگول (،) از هم جدا می‌شوند و به دو زبان فارسی و انگلیسی بعد از چکیده‌ها می‌آیند .

صفحات بعدی : به ترتیب شامل موارد زیر باشد که هر کدام با علامت شمارنده و عنوان **bold** شده مشخص می‌شود :

۱- مقدمه

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

۳- نتیجه‌گیری

۴- فهرست الفبایی منابع

ج - شیوه نامه کلی نگارش

۱- مقاله در محیط WORD 2007 یا بالاتر نوشته شود .

۲- مقاله با فونت های زیر برای هر قسمت تنظیم شود :

متن اصلی	فونت BNazanin	سایز ۱۳
چکیده و ارجاع دهی داخلی	فونت BNazanin	سایز ۱۱
پاورقی	فونت BNazanin	سایز ۱۰
متن انگلیسی	فونت Calibri	سایز ۱۲

۳- تنظیم فاصله‌ها طبق اندازه‌های زیر باشد :

فاصله سطرها	۱/۱۵ سانتی متر
حاشیه از طرفین	۲/۵ سانتی متر (۰/۹۸ اینچ)
تورفتگی ابتدای پاراگرافها	۰/۵ سانتی متر

۴- تنظیم فهرست منابع به ترتیب زیر باشد :

- ترتیب الفبایی منابع : در پایان مقاله، ابتدا منابع فارسی و سپس منابع لاتین، براساس نام خانوادگی نویسنده، به ترتیب حروف الفبا و به صورت زیر ذکر شود:

- کتاب : نام خانوادگی نویسنده ، نام نویسنده ، (سال انتشار) ، **عنوان کامل اثر بصورت Bold و Italic** ، مترجم / مصحح / گردآورنده : نام و نام خانوادگی ، شماره جلد ، نوبت چاپ ، محل انتشار : نام ناشر .
مثال : اسکولز ، رابرت ، (۱۳۷۸) ، **عناصر داستان** ، مترجم : فرزانه طاهری ، چاپ سوم ، تهران : مرکز .

- مقاله : نام خانوادگی نویسنده اول ، نام نویسنده اول / نام خانوادگی نویسنده دوم ، نام نویسنده

دوم و همکاران ، (تاریخ انتشار) ، « عنوان کامل مقاله داخل گیومه فارسی به صورت **Bold** و *Italic* » ، نام مجله ، محل نشر ، دوره / شماره / ماه / فصل انتشار ، شماره صفحات مربوط به مقاله
مثال :

ثابت زاده ، منصوره ، (۱۳۹۰) ، « کاربرد ویژگی های موسیقی در ذهن و زبان امیر خسرو دهلوی » ، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج ، سال سوم ، شماره ۶ ، صص ۸۱/۱۰۲ .
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ دسترسی). «عنوان مقاله». نام وبسایت (یا عنوان نشریه الکترونیکی، جلد، شماره، سال)، صفحه، آدرس اینترنتی.

۵- ارجاع دهی درون متنی :

- برای ارجاع دهی درون متنی به منابع، بلافاصله پس از نقل قول مستقیم (داخل گیومه)، نام خانوادگی نویسنده کتاب یا مقاله، سال انتشار، شماره جلد و صفحه منبع مورد نظر، درون پرانتز آورده شود. مثال: (انوری، ۱۳۹۰: ج ۱/ ۲۱۰)

- برای ارجاع به منابع، بلافاصله، پس از نقل قول غیرمستقیم، نام خانوادگی نویسنده کتاب یا مقاله، سال انتشار و شماره جلد، درون پرانتز آورده شود. مثال: (انوری، ۱۳۹۰: ج ۱/ ۲۱ - ۲۵)
- ارجاعات درون متنی غیرفارسی، به شیوه قبل و به زبان اصلی آورده شود. مثال: (Martz, 1966, ۱۱۵)
- اگر از نویسنده ای در یکسال بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با قراردادن حروف الف، ب، پ، و ... در زبان فارسی و حروف a، b، و ... در زبان های خارجی، پس از سال انتشار، آثار از هم متمایز شوند.

- در صورت استفاده از فرهنگ یا دانشنامه ای که سرویراستار دارد، نام سرویراستار، سال انتشار، شماره صفحه، درون پرانتز آورده شود. اگر به مقاله خاصی ارجاع داده می شود، نام مؤلف مقاله، سال انتشار و صفحه منبع مورد نظر، درون پرانتز آورده شود. غیر از موارد مذکور، نام فرهنگ یا دانشنامه، سال انتشار و صفحه منبع مورد نظر، درون پرانتز آورده شود.
- برای ارجاعات تکراری بلافاصله بعد از ارجاع اصلی ، برای بار دوم به بعد در همان صفحه از واژه « همان » استفاده شود .

نشانی دفتر مجله : شهریار ، خیابان ولی عصر (عج) برج سعدی ، طبقه ۶ ، واحد ۶

تلفن و نمابر : ۰۲۱-۶۵۲۹۳۴۹۹

پست الکترونیکی : info@jshd.ir

تارنما : www.jshd.ir

تلگرام : @jshdir

فهرست

- ۱ تأملی بر خویشکاری‌های زن در ایران باستان، با نگاهی به شاهنامه فردوسی
زهره جمشیدی
- ۱۷ مضامین اخلاقی در اشعار حزین لاهیجی
محمدحسن داودیان
- ۳۵ کاربرد بدل در زبان دری و عربی
سید عظیم الله عصمتی
- ۵۱ نقدی بر ساختار اشعار قیصر امین‌پور
حسین فقیهی
- ۷۷ بررسی مضمون زهد در اشعار ابوالعتاهیه و عطار نیشابوری
لیلا قاسمی حاجی آبادی - شهزاد قیطاسی
- ۱۰۱ جایگاه قاعده فقهی انصاف در گلستان سعدی
امراه نیکومنش - سیده سامره عباس نژاد بنه میر

تأملی بر خویشکاری‌های زن در ایران باستان، با نگاهی به شاهنامه فردوسی

زهرا جمشیدی^۱

چکیده

کهن‌الگوی زن و خویشکاری‌های او در ادوار و اعصار مختلف ایران، همواره یکی از موضوعاتی است که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده‌است. نگارنده در این جستار با روش تحلیلی - توصیفی و تحلیل داده‌ها به کهن‌الگوی زن و خویشکاری‌های آن در ایران باستان پرداخته‌است. برآیند تحقیق اثبات می‌کند که جایگاه زن در ایران باستان، همواره به یک شکل نبوده و در برخی از اعصار مقام او تا حد خدایان نیز بالا برده شده‌است. این موضوع به دورانی برمی‌گردد که حکومت‌هایی مادرسالار بر این سرزمین حاکم بوده و به تبع، خدایان آنان نیز الهه‌هایی مقتدر بوده‌اند. این دوران، دورانی بسیار کهن است و تنها با بهره‌گیری از مطالعات باستان‌شناسی، می‌توان به ابعاد آن پی برد. در این میان نمی‌توان از تأثیر زن در زندگی کشاورزی و همچنین خویشکاری زایش و فرزندآوری و تربیت نسل او غافل ماند، اما در دوره‌های متأخرتر و با کشف آهن، حکومت‌هایی مردسالار بر ایران حاکم می‌شوند و قدرت زن بسیار محدود می‌شود. حتی زندگی متکی بر شکار نیز بر زندگی قائم بر زمین و کشاورزی ترجیح داده می‌شود. به نظر می‌رسد ادیان آریایی از جمله آیین زرتشتی بر قدرت زن تأثیر گذاشته‌اند؛ زیرا در این ادیان باستانی، نظری مثبت نسبت به زن، چنان که سابق بر آن بود، وجود ندارد.

کلمات کلیدی: الهه‌ها، حکومت، خویشکاری‌های زن، زمین، کهن‌الگوی زن - مادر.

۱- مقدمه

همان‌گونه که بر ارباب فضل پوشیده نیست، زن در ادبیات ایران و بسیاری ممالک دیگر همواره از دو سویه بسیار متفاوت برخوردار است. در پاره‌ای از این آثار، زن به عنوان شخصیتی والا و مادر مطرح می‌شود و ارزشی هم‌سنگ و گاهی فراتر از مردان دارد، اما «در اکثر آثار ادبی ایران زیبایی‌ها و عشوه‌گری‌های زن مطرح گردیده‌است و به صورت‌های مختلف ساقی، مطرب، خنیاگر، معشوقه، کنیز و در کل وسیله‌ای برای رفع نیازهای مردان تلقی شده و در حقیقت ارزش واقعی زن مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است» (نیساری، ۱۳۸۹: ۱). در بیشتر این آثار حتی این دید نیز درباره زنان به سطحی بسیار سخیف‌تر تنزل پیدا می‌کند و زنان را عامل اساسی فساد، توطئه، مکر و حيله و ... می‌دانند.

یکی از مباحث مهم فرهنگی هر قومی، تصویری است که آن قوم از زنان جامعه دارد و دیدگاه‌های مختلف درباره زن، عاملی برای تحلیل بسیاری از موضوعات اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. در این میان، تعداد شاعرانی که دیدی واقعی و ملایم نسبت به زنان دارند، بسیار محدود و البته قابل تأمل است. یکی از این شاعران منصف، حکیم ابوالقاسم فردوسی است که با اثر گرانبهایش، شاهنامه، راه را برای مطالعه و بررسی در این زمینه گشوده است. شاهنامه، سند هویت ملی و بیانگر بسیاری از سنت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران در ادوار باستان است. مفاهیم گوناگون ملی به صورت آشکار یا ضمنی در لایه‌های مختلف این کتاب سترگ به خوبی قابل مشاهده است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در شاهنامه، زن و خویشکاری‌های اوست. «زن در شاهنامه همانند دیگر مظاهر انسانی آن کتاب، والایی و کمال دارد و تصویر شخصیت او تحت الشعاع امیال و افراد داستان نیست، حال آن که در داستان‌ها، خاصه در منظومه‌های عاشقانه که شاعران چیره‌دست ایرانی به آن پرداخته‌اند، تصویر وی غالباً به تبع داستان ترسیم شده‌است» (حریری، ۱۳۶۵: ۲۷).

در شاهنامه با گروه‌های مختلفی از زنان مواجهیم که هر کدام کار ویژه و نقش‌های خاص خود را دارند. خویشکاری اصلی برخی از آن‌ها مانند مادر سیاوش و تهمینه، زاینده‌گی و عشق است و پس از به دنیا آوردن فرزندی از نژاد بزرگان، از صفحه حماسه محو می‌شوند (برای مادر سیاوش رک: شاهنامه خالقی مطلق، ج ۲، ص ۲۰۲ تا ۲۰۶ و برای تهمینه رک: همان، ج ۱۲۲ تا ۱۲۷)؛ بعضی از آنان، مانند سیندخت، گردیه و ... نقش نصیحتگری، تدبیر و دلسوزی کهن‌الگوی مادر را برعهده دارند (برای سیندخت رک: همان، ج ۱، ص ۲۲۰ تا ۲۵۰، برای گردیه رک:

همان، ج ۸، ص ۲۲۸ تا ۲۳۰؛ برخی دیگر مانند سودابه، سویه منفی و تاریک کهن‌الگوی زن را به نمایش می‌گذارد که با خواسته‌ها و طبیعت تاریک و گنهکار، مردان؛ بویژه قهرمانان را به ورطه نابودی می‌کشاند و خویشکاری نابودگری و مکرورزی کهن‌الگوی مذکور را ترسیم می‌کند (رک: همان، ج ۲، ص ۲۱۱ تا ۲۳۸). بسیاری دیگر از زنان شاهنامه، در نقش پروراندۀ پهلوانان این حماسه بروز پیدا می‌کنند، مانند فرانک (رک: همان، ج ۱، ص ۶۲ تا ۶۶)، جریره و فرنگیس (برای جریره رک: همان، ج ۲، ص ۳۲۱ و برای فرنگیس همان: ۳۶۴) که تا پای جان از فرزندان خود مراقبت می‌کنند. برخی دیگر از زنان حماسه، نقش سیاسی در انتقال قدرت و پهلوانی و رزم‌آوری ایفا می‌کنند که نمونه‌های بارز این نوع زنان، گلنار و گردآفرید است (برای گلنار رک: همان، ج ۶، ص ۱۴۸ و گردآفرید: همان، ج ۱، ص ۱۲۹). نکته‌ای که ذکر آن ضروری می‌نماید این است که زنان در شاهنامه تنها به موارد مذکور محدود نمی‌شوند و ممکن است هر کدام نقش یا نقش‌هایی دیگر نیز به عهده داشته باشند.

با توجه به نقش‌ها و خویشکاری‌های مختلف زنان در شاهنامه، درمی‌یابیم که در این اثر ارزشمند، کهن‌الگوی زن - مادر با جلوه‌های مختلف خود حضور دارد. کهن‌الگو، از جمله مفاهیمی است که به صورتی جدی و علمی، برای نخستین بار بر پایه نظرات کارل گوستاو یونگ که بر ضمیر ناخودآگاه جمعی استوار است، مطرح شد. وی کهن‌الگوها را تجارب اجدادی انسان در طی ادواری طولانی می‌داند که به صورت نیرویی ازلی و بالقوه، در روان انسان به صورت تصاویر و ساخت‌هایی شکل گرفته‌اند. یونگ معتقد است که منشأ آن‌ها شناخته شده نیست، اما در هر زمانی و در میان هر ملتی به چشم می‌خورند (یونگ، ۱۳۷۸: ۹۶). بنابراین تعریف، می‌توان مفهوم کهن‌الگو (آرکی تایپ) را که به معنای نمونه اصلی هر پدیده است، با معنای شکل اولیه و نمونه ابتدایی تفکر انسانی مترادف دانست (هال و نوردبای، ۱۳۷۵: ۵۶). بسیاری از این سرمشق‌های اولیه (کهن‌الگوها) در مفهومی وسیع با اساطیر در ارتباط‌اند، به این صورت که این کهن‌الگوها در درون‌مایه‌های مشابهی هستند که آن‌ها را می‌توان در مجموعه اساطیر گوناگون یافت (گورین، ۱۳۷۰: ۱۷۴).

ارتباط و پیوستگی اساطیر و کهن‌الگوها هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که به تعریف اصطلاح اسطوره توجه کنیم: اسطوره، نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است که حکایت از راز آفرینش می‌کند و منشأ ازلی هر آیین، هر پندار و کرداری است که در زمان آغاز اساطیری، یک بار برای همیشه، به وقوع پیوسته و از آن پس به صورت نمونه‌ای آغازین درآمده است

(شایگان، ۱۳۷۱: ۱۰۳). با توجه به این تعریف، اسطوره، علاوه بر این که ساختار کهن‌الگویی مفاهیم اصلی پدیده‌ها را بیان می‌کند، به کارکرد اجتماعی آنها به عنوان موتوری محرک برای اعمال و افکار انسانی نیز اشاره دارد (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۱: ۱۵). الیاده نیز در تعریفی دقیق‌تر از اسطوره، چنین می‌گوید: اسطوره نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است. راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است؛ به بیانی دیگر، اسطوره حکایت می‌کند که چگونه به علت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت: کیهان، یا فقط جزئی از واقعیت: جزیره‌ای، نوع نباتی خاص، سلوکی و کرداری انسانی، نهادی؛ یا به عرصه وجود نهاده است؛ بنابراین، اسطوره همیشه متضمن یک خلقت است؛ یعنی می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴). با ذکر این مطالب، می‌توان نتیجه گرفت که در ذهن بشر کهن‌الگوهای مختلفی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین این کهن‌الگوها، کهن‌الگوی زن در نقش‌های مختلف است.

پیشینه تحقیق

درباره این موضوع، تاکنون پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که به عنوان مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- موسوی، سید کاظم و خسروی، اشرف، (۱۳۸۷)، «آنیما و راز اسارت خواهران همراه در شاهنامه»، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۳: صص ۱۳۳-۱۵۳.
- سنجری، سیده سعیده، (۱۳۹۰)، «نقش زن در ادبیات کهن و اسطوره‌های ایرانی»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال دوم، شماره ۷، صص ۳۵-۴۶.
- شامیان ساروکلانی، اکبر، (۱۳۸۸)، «فرانک‌مام‌فریدون»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، شماره ۳، صص ۹۱-۱۰۸.
- راکعی، فاطمه، (۱۳۸۶)، «زنان سیاسی شاهنامه»، نشریه آیین، شماره ۹، صص ۵۱-۵۳.
- برزگر خالقی، محمدرضا و نیساری تبریزی، رقیه، (۱۳۹۰)، «سیمای زن و عشق در دده قورقود و ایلیداد و ادیسه»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۳۱-۴۲.

سعی نگارنده در این پژوهش بر آن است که با معرفی کهن‌الگوی زن و خویشکاری‌های او، با دلایلی اسطوره‌شناسی به بررسی چرایی عدم حضور زنان در بخش‌هایی از شاهنامه پردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که زن و خویشکاری‌های او در ادوار باستانی چگونه

بوده است؟ چرا در بخش‌های آغازین شاهنامه، زنان حضور ندارند؟ چرا در سایر بخش‌های شاهنامه، گاهی زنان حضوری فعال دارند و گاهی به حاشیه رانده می‌شوند؟ آیا عدم حضور زنان در بخش‌هایی از شاهنامه، دلایل سیاسی و اجتماعی دارد؟

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

در این جستار، ابتدا به معرفی اجمالی کهن‌الگوی زن می‌پردازیم، سپس به بررسی جایگاه الهه‌ها و زنان در ایران، قدرت‌یابی و در نهایت فروکش کردن قدرت آنان در ادوار بعد و تأثیری که این روند بر حضور زنان در شاهنامه دارد، خواهیم پرداخت.

۲-۱- کهن‌الگوی زن - مادر

زن - مادر یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کهن‌الگوهای ذهن بشری است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، در اساطیر و حماسه‌های ما نقش‌آفرینی کرده است و بر جایگاه زنان در جامعه و در ابعاد مختلف آن، تأثیر نهاده است. زن - مادر مانند هر صورت مثالی دیگری، در صور مختلف تجلی می‌کند. اهم این صور عبارتند از: مادر واقعی و مادر بزرگ، نامادری، مادرزن، مادرشوهر و هر زنی که به نوعی ارتباطی با او برقرار است، مثل پرستار، دایه و یا جدای دور و نیز هر آنچه که به صورت مجازی یا نمادی دارای معنای مادر یا زن باشد، مثل زمین، آب، کشور، دریا و ... (یونگ، ۱۳۹۰: ۲۲).

مادر - زن مثالی دو مظهر خیر و شر دارد و ممکن است دارای معنایی مثبت و مطلوب و یا معنایی منفی و اهریمنی باشد (همان: ۲۳). معنای مثبت این کهن‌الگو و صفات آن عبارتند از: شور و شفقت مادرانه، قدرت جادویی زنانه، فرزاندگی و رفعت روحانی، هر انگیزه‌یاری دهنده، هر آنچه می‌پروراند و مراقبت می‌کند و هر آنچه رشد و باروری را در بر می‌گیرد. مادر مثالی در وجه منفی خود، ممکن است به هر چیز نهانی، اسرار آمیز و تاریک اشاره کند. هر آنچه می‌بلعد، اغوا می‌کند، مسموم می‌سازد و چون سرنوشت هراس‌انگیز و گریز ناپذیر است، از دیگر معانی منفی این کهن‌الگوست (همان: ۲۴).

۲-۲- جایگاه الهه‌ها در ایران باستان

در ایران پیش از زرتشت و پس از آن، الهه‌ها یا ایزدبانوان از ارزش و قدرتی بالا برخوردار بودند، به گونه‌ای که پهلوانان و شاهان ابرقدرت نیز به درگاه آنان سرتسلیم فرود می‌آوردند

و برای رفع مشکلات و برآورده شدن حاجت به ستایش و قربانی برای آنان میپرداختند. از مهم‌ترین الهه‌های ایرانی می‌توان به آناهیتا، سپندارمذ، اشی، چیستا و ... اشاره کرد. این ایزدبانوان آن‌چنان در میان مردم دارای احترام و اعتبار بوده‌اند که صورت زمینی آنها یعنی زنان نیز از اعتبار آنان بهره‌مند می‌شدند و به عنوان تصویری زمینی از آن الهه‌ها و خویشکاری‌های آنان، مورد احترام واقع می‌شدند و به همین دلیل مردان در برابر آنان جنس دوم به حساب می‌آمدند. بازتاب این تأثیر در اساطیر و حماسه‌ها خود را به زندگی بدون کشته شدن ناگهانی زنان در نقش‌های مادر، همسر، دختر و خواهر نشان داده شده است. در کنار الهه‌های قدرتمند و خیرخواه، در اساطیر ایرانی با دیوزنایی برخورد می‌کنیم که آنان نیز در اوج قدرت شرواند؛ به عبارتی دیگر، زن در اساطیر ایرانی در نمادهای مختلفی مانند امشاسپند نگهبان زمین (سپندارمذ)، ایزدبانوی آب‌ها (اردوی‌سور آناهیتا)، ایزدبانوی روشنایی و پیمان (مهر)، ایزدبانوی دانش و دانایی (چیستا)، ایزدبانوی توانگری و بخشش (اشی یا ارد)، ایزدبانوی وجدان (دین یا دننا) و امثال آن ظاهر شده و در مقابل، در نقش‌های پلید و منفی در قالب دیوزن آلودگی‌های زنانه و نماد روسپی‌گری (جه یا جهی)، دیوزن نخوت و تکبر (ترومد)، دیوزن زاینده و به وجود آورنده هفت سر دیو و ضحاک (اودگ) و مانند آن نمود می‌یابد (موسوی؛ خسروی، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۵).

یکی از مهم‌ترین خویشکاری‌های الهه‌ها در ایران و دیگر تمدن‌ها، نقش آنان در باروری، زاینده‌گی، پرورش و برکت بخشی بوده است. به عنوان مثال، در یشت هفدهم که به اردیشت موسوم است، اشی دارای شخصیتی زنانه است و به عنوان ایزدبانوی فراوانی، برکت، بخت و اقبال معرفی می‌شود. در این یشت، او ایزدبانویی زیبا، خوش اندام، سودبخش، درمان‌بخش و خردمند است و بر گردونه‌ای مجلل و پر سر و صدا سوار است. اشی از الهه‌های مقتدر است و باید او را، ایزدبانوی بخت و اقبال نیز دانست و به همین دلیل القابی از جمله گنجور و دارایی بخشنده دارد (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۹). علاوه بر این موارد، اشی ایزدبانوی باروری نیز به شمار می‌آید، از این روی مردان عقیم، زنان ناپاک، پسران نابرنای و دختران شوی ناکرده در آیین او جایی ندارند و نباید در مراسم وی شرکت جویند. او بر زنان نفوذ دارد و زنانی که اشی یارشان باشد سفید بختاند (آموزگار، ۱۳۸۶: ۳۰).

آناهیتا نیز، همواره با باروری، برکت و آب پیوند دارد. او بانوی خدایی زیبا و خوش‌اندام است با سینه‌هایی برآمده، خوش‌جامه و خوش‌آرایش که آب مردان را پاک و زادن زنان را

آسان می‌سازد (خالقی مطلق، ۱۶:۱۳۷۵).

«اردوی سوره اناهیتا در فرهنگ ایرانی به معنی آب‌های نیرومند بی‌آلایش، سرچشمه همه آب‌های روی زمین ضبط شده است» (نیکوبخت و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶). پیوند اناهیتا با آب تا حدی است که معابد اناهیتا در کنار چشمه یا رود ساخته می‌شدند. همان‌گونه که آشکار است، آب مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری مدنیت است. پیوند اناهیتا به عنوان ایزدبانوی برکت با آب می‌تواند بیانگر این باشد که این الهه صورت تشخیص یافته آب و آبادانی است (قرشی، ۱۳۸۰: ۱۰۴). پیرو خویشکاری این الهه، در جامعه باستانی ایران، آب آوردن از چشمه، تنها وظیفه زنان محسوب می‌شد و اگر مردی برای آوردن آب به چشمه می‌رفت، مانند این بود که به زنی تجاوز کرده باشد. این موضوع، ویژگی مشترکی است که آب، زن و اناهیتا را به هم پیوند می‌دهد (بهار، ۱۳۷۷: ۲۸۸).

همانطور که زن، زاینده انسان است؛ آب نیز زاینده تمدن و یکجانشینی است. آب که مهم‌ترین عنصر برای ادامه زندگی است، با الهه‌های باروری که نشان‌دهنده اهمیت نقش زن در جوامع باستانی است، ارتباط می‌یابد. از طرفی، خویشکاری زنان در امر زایش، مقام آنان را در حد یک الهه ارتقا می‌دهد و از طرفی دیگر، وظایفی چون کشاورزی و آب آوردن از سرچشمه توسط زن، بر اهمیت او می‌افزاید (معینی سام، خسروی، ۱۳۹۰: ۳۲۱).

سپندارمذ نیز از الهه‌هایی است که از مقام و اهمیتی ویژه، به خصوص، در ارتباط با زن، زمین و باروری برخوردار است. در اصل، نامگذاری آخرین ماه فصل زمستان به نام اسفند یا سپندارمذ نیز از ویژگی باروری و زاینده‌گی زمین سرچشمه گرفته است؛ زیرا در همین ماه، رشد و باروری و زایش دوباره زمین آغاز می‌شود. از همین‌رو، ایرانیان، این ماه و بویژه روز پنجم (اسفند) را روز گرمی‌داشت بانوان می‌دانستند و در این روز مردان آیین‌هایی برای همسران خود برگزار می‌کردند و هدایایی به آنان می‌دادند (بهرامی، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷: ۱۰۷). در توجه به نقش‌های الهه‌ها در آیین‌های کهن، نمی‌توان از قربانی شدن مردان و پهلوانان برای این خدایان غافل ماند، امری که خود را در مرگ یا تغییر و تعویض همسران الهه‌ها یا کاهنه‌های معابد کهن، از جمله در معبد ایشتر نشان می‌دهد. نمونه ایرانی این مطلب را می‌توان در قربانی شدن سیاوش به علت توطئه‌های سودابه جستجو کرد.

۲-۳- مادرسالاری در ایران باستان

تحقیقات باستان‌شناسی ثابت کرده است که کهن‌ترین حکومت‌های ایرانی، حکومت‌هایی

مادر سالار بوده‌اند. «چنین می‌نماید که نخستین اجتماعات انسانی در ایران از طریق گروه‌های دودمانی مادر تبار شکل گرفته و به احتمال زیاد، مادر سالاری دست‌کم از آغاز عصر نوسنگی هسته اجتماعی - اقتصادی مردم ایران را شکل می‌داد» (هینلز، ۱۳۸۹: ۴۶۵). البته، این موضوع، تنها در ایران صدق نمی‌کند، بلکه در سایر تمدن‌های باستانی نیز دوره‌های آغازین آن تمدن با مادر سالاری همراه بوده است. آن گونه که از مطالعات برمی‌آید، احتمال وجود نظام و تشکیلاتی مادر تبار در جامعه پیش هلنی نیز وجود دارد. در این هنگام، انتقال و تحویل قدرت به دست زنان انجام می‌شده است و در آیین‌های به تخت نشستن، به صورت مکرر، شاه کشته می‌شد و شاه‌کش با بیوه شاه مقتول ازدواج می‌کرد (دورو، ۱۳۷۹: ۸۱).

در جوامع زن سالاری یا مادر سالاری، الهه بزرگ یا خدای مادر، از برترین خدایان و تجسمی از مادر زمین بود. او منبع زندگی بشری، غذا و برکت بود. جوامع، برای حفظ بقا، ناگزیر به زاد و ولد و تهیه غذا بودند. آنها می‌دانستند که چگونه به برکت و نعمات الهه بزرگ نیاز دارند و به همین دلیل با شایسته‌ترین شیوه‌ها او را تقدیس و ستایش می‌کردند (روزنبرگ، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴). «ملکه تجسم جایگزین الهه بزرگ بود، از این رو از قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی بزرگی برخوردار بود. زنان دیگر، دختران الهه بزرگ به شمار می‌آمدند. بدین ترتیب، تمامی زنان جامعه مادر یا زن سالاری از ارزشی والا برخوردار بودند و بسیاری از آنها، مقام و مرتبت مهم و والایی داشتند» (همان: ۲۴).

۲-۴- نقش زن و زمین در زندگی کشاورزی

زن به گونه‌ای اسرارآمیز با زمین یکی دانسته شده است و زایش بشری، صورتی دیگر از باروری و حاصلخیزی زمین است؛ بنابراین، قداست زن وابسته به تقدس زمین است. باروری زنانه نمونه‌ای کیهانی دارد؛ نمونه مادر زمین یا بارور کننده عظیم (الیاده، ۱۳۹۰: ۱۳۴). همان گونه که زمین مبدأ زندگی است، زن نیز، تداعی گر اصل حیات و تولد است و گرمابخش اصل زندگی است؛ نماد ایثار، فداکاری و سرچشمه حیات و پرورش است.

جامعه ایران پیش از ورود آریایی‌ها - آن‌چنان که تحقیقات باستان‌شناسی اثبات کرده است - جامعه‌ای مبتنی بر کشاورزی بوده است و همان گونه که می‌دانیم زندگی کشاورزی به حضور زنان وابسته بوده است. این موضوع تنها مختص به ایران نبوده است، بلکه «به طیب خاطر پذیرفته شده که زن، کاشف برزیگری بوده است... زن چون با دیگر مراکز باروری کیهان - زمین و ماه - همدست بوده، خود از شأن و منزلت توانایی تأثیر بر باروری

و قدرت پخش و نشر آن، برخوردار می‌شده است. بدین‌گونه نقش مقدم و اولای زن در آغاز دوران کشاورزی، خاصه به هنگامی که این فن هنوز مزیت زنان و در تیول آنان بود، نقشی که هنوز زن در بعضی تمدن‌ها بر عهده دارد، توجیه می‌شود» (الیاده، ۱۳۸۹: ۲۵۱). بنابراین، پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی نظیر مادرسالاری با کشف کشاورزی توسط زنان مربوطاند. این زنان بودند که نخست گیاهان خوراکی را کاشتند. از این رو، این زنان بودند که مالک زمین و محصولات آن بودند (الیاده، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۵). در بین ملل کشاورز، زن عامل خویشاوندی است. در زندگی کلان، کارهای مهم به دست زن انجام می‌گیرد، به همین دلیل نقش اساسی به عهده اوست. مسأله قدرت و اولویت زن از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد و حال آن‌که در جمعیت‌های شبانی، برتری نصیب مردان و اختیار در دست آنان بود (چایلد، ۱۳۴۶: ۵۹).

۲-۵- تغییر نقش اجتماعی زن در دوران مردسالاری

همان‌گونه که اشاره شد وجود نظام مادرسالاری در ایران، ریشه‌ای بسیار کهن دارد، قدمت توجه به زن و نقش‌های مهم او در نظام سیاسی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی در ایران به حدی بود که حتی در اوان ظهور زرتشت نیز به زن، به دیده احترام و تقدس می‌نگریستند. شخص زرتشت نیز در گاهان، بر تساوی حقوق زن و مرد تأکید می‌کند و در سخنان او هرگاه که فرزندان آدم مورد خطاب قرار می‌گیرند یا در مورد آنان صحبتی به میان می‌آید، زن و مرد را برابر و هم‌سنگر می‌داند (اعتضادی، ۱۳۸۸: ۵۱).

در زمان ساسانیان که مدنیت به شکل گسترده‌ای رو به پیشرفت نهاد، قوانین مدنی و حقوقی زنان نیز بدون توجه به تعالیم زرتشت پیامبر، به دست مردان نوشته شد و همین امر باعث شد که زن در سایه قدرت مردان قرار گیرد و نظامی پدرسالار بر ایران استقرار یابد. با گسترش و تحکیم پدرسالاری در افزوده‌های آیین زرتشتی در بندهشن و ارداویراف‌نامه از زن، به گونه‌ای بسیار سخیف یاد می‌شود (هینلز، ۱۳۸۹: ۴۶۶).

به نظر می‌رسد همین تغییر عقیده راجع به زن در حقوق و قدرت او تأثیری بسیار عمیق نهاده، به نحوی که آرام آرام، او را از اوج عظمت، به انحطاط کشیده باشد و اثرگذاری زن را بر ثروت و حکومت کمرنگ کرده باشد.

۲-۶- عدم حضور زن در برخی از بخش‌های آغازین شاهنامه فردوسی

با مختصر مطالعه‌ای در شاهنامه مشخص می‌شود که عدم حضور زنان، در حماسه ملی

ایران از آغاز پادشاهی کیومرث تا عهد طهمورث مشهود و قابل بررسی است. در عهد هر یک از این شاهان، خواننده با فرزندان آنها برخورد می‌کند، فرزندانی که نامی از مادر آنها وجود ندارد و گویی به عنوان تالی پدر و بدون حضور شخص دیگری پا به عرصه حیات نهاده‌اند. این فرزندان، نسخه بدل پدران خود هستند و در راه گسترش آرمان‌های آنان که گاهی توأم با انتقام‌گیری است، تلاش می‌کنند.

این نکته که حماسه ملی ایران در حالی آغاز می‌شود که حتی نامی از زنان در آن نیست، خود بیانگر نکاتی است؛ به عبارتی بهتر باید پذیرفت که آغاز شاهنامه، روایتی از دوران مردسالاری و کشف آهن است، هرچند که در بخش‌های دیگر، نشانه‌هایی از زن‌سروری نیز یافت می‌شود. اعصار گوناگونی که بشریت پشت سر گذاشته و ایران نیز تجربه پشت سر گذاشتن آن را داشته، این‌گونه طبقه‌بندی می‌شود: ۱. دوره زرین: دوره تساوی حقوق زن و مرد ۲. عصر سیمین: عصر کشاورزی و دوره مادرسالاری ۳. عصر آهن: دوره غلبه پولاد سخت، ظهور جنگ‌سالاران و آغاز عصر مردسالاری (ژیران، ۱۳۸۷: ۴۷).

آن‌چنان که از شواهد پیداست، آغاز شاهنامه با عصر آهن همراه است؛ زیرا در عصر هوشنگ است که آهن کشف می‌گردد و سپس قانون حکمفرما می‌شود:

وزان پس جهان یکسر آباد کرد	همه روی گیتی پر از داد کرد
نخستین یکی گوهر آمد به چنگ	به آتش ز آهن جدا کرد سنگ
سر مایه کرد آهن آبگون	کزان سنگ خارا کشیدش برون
چو بشناخت آهن‌گری پیشه کرد	گراز و تبر، آهن و تیشه کرد

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۹/۱)

با اندک مطالعه‌ای در نظام‌های مرد سالار مشخص می‌شود که وضع قانون‌های تخطی‌ناپذیر و حاکم نمودن استدلال و منطق به جای عاطفه و احساس از مشخصه‌های حکومت‌های مردسالار است؛ به بیان دیگر، یکی از تفاوت‌های اساسی میان نظام زن‌سرور و نظام مردسرور، فاکتور عدالت و محبت است. «تمدن مادرشاهی، به قرابت نسبی و زوال ناپذیر بودن هم‌خونی، به برابری همه انسان‌ها و به ارزش انسان و عشق قائل است؛ حال آن‌که پدرشاهی به روابط زن و شوهر، فرمانده و فرمانبردار، نظم و سلسله اهمیت زیاد داده است» (فروم، ۱۳۸۵: ۲۴۷). در بسیاری از بخش‌های شاهنامه نیز چنین قانونی حکمفرماست. هر یک از شاهانی که قدرت را به دست می‌گیرند، قانونی بر قانون‌های قبل می‌افزایند و نظم